

مؤلفه‌های خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی مبتنی بر برداشت جوادی آملی از قرآن کریم

Self-social components in the Islamic lifestyle based on Javadi Amoli's perception of the Holy Quran

زهرا سادات پورسید آقایی^{۱*}

فاطمه قاسمی نیائی^۲

چکیده

سبک زندگی، به حوزهٔ افعال انسان برمی‌گردد و مبتنی بر جهان‌بینی، انسان‌شناسی و هست‌ها و نیست‌های بنیانی یک تفکر است. همین تفکر خودهای فردی و اجتماعی انسان را نیز شکل می‌دهد. هدف از تحقیق حاضر تعیین مؤلفه‌های خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی مبتنی بر برداشت جوادی آملی از قرآن کریم است. تحقیق حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش هرمنوتیک کلاسیک شلایرماخر انجام شده است. نتایج نشان داد: ادراک انسان از خود در ارتباط با دیگران (خود اجتماعی) در دو سطح تحولی می‌تواند شکل بگیرد: در سطح نازل، خود اجتماعی ظالم و در سطح متعالی، خود اجتماعی عادل که از ویژگی‌های سبک‌زندگی اسلامی است. مؤلفه‌های خوداجتماعی عادل عبارت‌اند از: رعایت عدالت اجتماعی، درک متقابل، بسط محبت، همدلی، توجه به تمایز اندیشه‌ها، گوش‌سپاری و به‌گزینی، اصل تمایز، یکپارچگی و خلوص، احترام، رابطهٔ حسنه و گفتگو در سطح فهم مراجع. شناخت مؤلفه‌های خوداجتماعی عادل بر اساس آیات قرآن می‌تواند زمینه را برای ایجاد سبک زندگی اسلامی و بستر تعاملات سازندهٔ اجتماعی افزایش دهد و ایجادگر تعاون و مشارکت اجتماعی در سطوح ارتباطی و اجتماعی گردد.

کلیدواژه: خود اجتماعی، سبک‌زندگی، اسلام، ادراک خود، جوادی آملی، قرآن کریم.

^۱ استادیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) zspsaghaei@alzahra.ac.ir

^۲ دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Fatemehghasemi3030@gmail.com

مقدمه

در اندیشه دینی، جامعه دینی، جامعه‌ای است که مردم آن به داوری «دین» در مورد رفتار و اعمالشان تن می‌دهند و معیارهای دین را در مورد رفتار، اعمال و باورهایشان می‌پذیرند. به عبارت دیگر می‌توان جامعه دینی را «جامعه دین‌مدار» دانست. شاخص چنین جامعه‌ای، مدینه‌النبی و جامعه علوی است. برای نیل به چنین جامعه‌ای باید مفهوم «جامعه دین‌مدار» را در سایه مبانی و اصول مشترک آن، در یک مجموعه واحد در قالب مفهوم «سبک زندگی اسلامی» بازکوی و جست‌وجو کرد. اجمالاً سبک زندگی اسلامی، سبکی است که انسان باید در پرتو عقل و شرع، توأمان مسیر خود را مشخص کند و از مسیر حق و حقیقت منحرف نگردد. این هدف آنگاه امکان تحقق دارد که مؤلفه‌هایی را رعایت کند؛ مؤلفه‌هایی که در قالب اصول و مبانی مشترک و یا همان خدامحوری معنا و مفهوم می‌یابد (فولادی، ۱۳۹۲).

در سبک زندگی اسلامی افراد تحت لوای فرهنگ و روش رفتاری واحد که برگرفته از تعالیم دینی است، دارای هویت دینی هستند. به عبارت دیگر این دین است که در قالب ارائه برنامه‌های مدون، سعادت زندگی دنیوی و اخروی جمعی انسان‌ها، به‌ویژه مؤمنان را تضمین می‌کند. تأسیس چنین جامعه دینی، همواره بزرگ‌ترین آرمان ادیان الهی بوده است. انسان دینی باید با پایبندی به آموزه‌های برگرفته از دین، در پی تحقق حیات طیبیه‌ای باشد که دین وعده آن را داده است. در این میان مؤلفه اجتماع و روابط اجتماعی برای دین اهمیت بسزایی دارد. بسیاری از معارف و آموزه‌های اسلامی تنها در پرتو اجتماع معنا و مفهوم می‌یابند. تا آنجا که بسیاری از معارف اخلاقی و دینی در اسلام مشروط به جمع و جماعت شمرده شده است. بسیاری از فضایل اخلاقی و قوانین فقهی، حقوقی و علمی علاوه بر آثار فردی، در شکل‌گیری هویت اجتماعی و شاکله سبک زندگی اسلامی مؤثر هستند (فولادی، ۱۳۹۲). مفهوم سبک زندگی از جمله واژگانی است که اخیراً وارد ادبیات ما شده است و آثار مکتوب در این زمینه بسیار اندک است. به‌ویژه در زمینه ویژگی‌های زیست اجتماعی انسان دینی؛ اما از کتاب‌ها و مقالات می‌توان به‌طور پراکنده این ویژگی‌ها را استخراج کرد.

سبک زندگی، عقاید و فرض‌های اساسی است که فرد از طریق آنها واقعیت خودش را سازمان می‌دهد و شامل ارزش‌ها و برداشت‌های انسان در ارتباط با خود، خدا، دیگران و جهان است و در اصل روش خاصی برای حرکت به سمت اهداف زندگی و غلبه بر مشکلات است (کوری، ۲۰۰۵). سبک زندگی الگوی همگرا یا مجموعه مختلفی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌هایی است که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیحات و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع و یا انتخاب می‌کند یا به‌طور اختصار سبک زندگی الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجع تعریف می‌شود (ذکایی، طالبی و انتظار، ۱۳۹۶).

هر مکتب و مذهبی، مبتنی بر جهان‌بینی خود سبک‌زندگی برای بشریت ارائه می‌دهد. «جهان‌بینی» برداشتی است که یک شخص یا یک مکتب درباره جهان دارد؛ به عبارت دیگر جهان‌بینی تفسیر انسان و نوع نگاه او نسبت به جهان است (محمدمیرزائی، ذوالفقاری و حفیظی نافچی، ۱۳۹۸). جهان‌بینی و هستی‌شناسی یا الهی است و یا الحادی (مادی). هستی‌شناسی الحادی همه هستی را در نشئه طبیعت خلاصه می‌کند و حیات انسان را نیز منحصر در عالم طبیعت و ماده می‌داند. در این نگاه برای انسان صرفاً سعادت و لذت دنیوی ارزش شناخته می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۷) درحالی‌که هستی‌شناسی الهی، هستی را منحصر در ماده ندانسته و اصل انسان را نیز فطرت او می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۹۰خ).

امروزه بسیاری از صاحب‌نظران و پژوهش‌گران به مفهوم سبک‌زندگی اسلامی توجه می‌کنند. سبک زندگی اسلامی مبتنی بر هستی‌شناسی الهی است که گستره شناخت، عواطف، نیات و رفتار فرد را در طول زندگی دنیای مادی تا معنوی برای نیازهای دنیا تا آخرت وی در همه ابعاد را پوشش داده است (ملایی، جلالی‌ریگی، فولادی و مومن‌جو، ۱۴۰۱). انسان معتقد و پایبند به دین اسلام، از یک‌سو باید به مجموعه جهان‌بینی باور داشته و معتقد باشد و از سوی دیگر بر اساس همان جهان‌بینی باید رفتار، عمل و کنش خود را مطابق بایدها و نبایدها، به منصفه ظهور برساند. مجموعه این دو، سبک زندگی یک مسلمان معتقد و به‌اصطلاح انسان دینی را در جامعه اسلامی نشان می‌دهد (حسین‌پور، بلایی اسکویی و کی‌نژاد، ۱۳۹۶). شاخص‌های سبک زندگی اسلامی عبارت‌اند از: شاخص عبادی؛ به وظایفی از زندگی اشاره دارد که رابطه بین فرد و خداوند را نشان می‌دهد، شاخص باورها؛ به مفاهیم درونی اشاره دارد که به‌طور مستقیم وظایف رفتاری زندگی

نیستند اما در لایه‌های زیرین عاطفی و شناختی، حضور دارند و شاخص اجتماعی؛ که به شناخت و درک انسان از خود در ارتباط با دیگران و وظیفی که نسبت به اجتماع دارد اشاره می‌کند. برداشت من از خودم در ارتباط با دیگری به معنای اموری است که در روابط یک انسان با انسان دیگر در حال پیدا کردن معنا است و کنش‌ها یا رفتاری که انسان‌ها در مقابل کنش یا رفتار انسان دیگری از خود بروز می‌دهند (سلم آبادی، فرحبخش، ذوالفقاری و صادقی، ۱۳۹۴).

خاستگاه پیدایش رابطه میان سبک زندگی و من اجتماعی، نظریه بوردیو^۱ درباره نقش سبک زندگی در شکل‌گیری خودهای اجتماعی است. بوردیو سبک زندگی را به‌مثابه نوعی نظام‌مندی در نظر می‌گیرد. این نوع نظام‌مندی که ریشه در عادت‌واره دارد در تمام ویژگی‌ها و دارایی‌ها دیده می‌شود که افراد و گروه‌ها در اطراف خود جمع می‌کنند؛ وسایلی از قبیل مبلمان، لباس، خانه، اتومبیل و فعالیت‌هایی مانند انواع ورزش‌ها و بازی‌ها و سرگرمی‌ها که افراد از طریق آن تشخیص و تمایز خود را نشان می‌دهند. از دید بوردیو سبک زندگی مجموعه متحدی از ترجیحات تمایزبخش است که قصد ابرازگری دارد. به اعتقاد وی، افراد با پیروی از سبک زندگی متفاوت، خودهای متفاوتی را ابراز می‌کنند و هویت‌های متفاوتی می‌یابند (مارکوس و بورس بوم^۲، ۲۰۱۳). تغییر در سبک زندگی تغییر در هویت یا خوداجتماعی را به دنبال خواهد داشت. گیدنز^۳ نیز بر چگونگی شکل‌گیری هویت شخصی در چارچوب سبک زندگی تأکید دارد. به نظر او درک فرد از خود، بستگی مستقیمی به استقرار پیوندهای اجتماعی و تعامل خود و جامعه دارد (کسل^۴، ۱۹۹۳). خود اجتماعی در رابطه با تعامل با دیگران تعریف می‌شود و برای آن سه عنصر متفاوت در نظر گرفته‌اند، عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه با سبک زندگی خاص تعلق دارد) و عنصر ارزشی (فرض‌هایی درباره پیامدهای ارزشی مثبت یا منفی عضویت در گروهی با یک سبک زندگی خاص) و عنصر احساسی (احساسات نسبت به تعلق داشتن به گروهی از افراد با سبک زندگی خاص)؛ بنابراین من یا خود اجتماعی یعنی آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در یک گروه اجتماعی با سبک زندگی خاص سرچشمه می‌گیرد و با اهمیت احساسی و ارزشی پیوسته با آن عضویت همراه است (هورنسی^۵، ۲۰۰۸).

دین اسلام نیز، بر اساس بنیادهای فکری خود برای تحقق سبک زندگی اسلامی در جامعه نگاه خاصی به زیست اجتماعی انسان دارد. لذا به‌دقت روابط انسان‌ها با یکدیگر را سامان می‌دهد و نظم می‌بخشد. حتی در آنجایی که درباره وظایف فردی انسان صحبت می‌کند، بازهم سعی می‌کند یک نگاه اجتماعی را اشراب کند و به آن عمل، بعد اجتماعی بدهد؛ یعنی عمل را صرفاً فردی نبیند. خواجه نصیر طوسی در کتاب اخلاق ناصری، بحث نماز را مثال می‌آورد و می‌گوید که اصل نماز شاید عملی فردی باشد، ولی این عمل فردی به اقتضائاتی دارای پیامدها، اثرها و کارکردهای اجتماعی متنوع است. درباره نماز فردی که اصلش رابطه انسان با خداست نه رابطه انسان با انسان دیگر، گفته شده است به جماعت بخوانید و این جماعت را در روز چند بار تکرار کنید و در مسجد بخوانید؛ مسجد محلی برای ارتباط افراد یک محله که حول یک محور (خدا محوری) بسط یافته‌اند، دارای بینش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و باورهای خاص هستند تا بدین‌وسیله سبک زندگی اسلامی را در محله خود شکل بدهند (طوسی، ۱۳۹۹). از نگاه اسلام حتی عملی که بین انسان و خدا هست دارای ابعاد و تأثیراتی در رابطه انسان با انسان می‌شود و فقط یک عمل فردی محض نیست. مشهود است که جامعه اسلامی یا به‌اصطلاح حیات طیبه‌ای که اسلام وعده تحقق آن را داده است در گرو شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی است به‌نحوی که هویت دینی افراد در جامعه از طریق سبک زندگی آنها تولید و بازتولید می‌شود (دیباچی و توکل‌نژاد، ۱۳۹۵).

^۱ Bourdieu

^۲ Markus & Borsboom

^۳ Giddens

^۴ cassell

^۵ Hornsey

پژوهش‌های مختلفی ارتباط سبک زندگی و خود اجتماعی را بررسی کرده‌اند، به‌طور مثال کینگ و چرچ^۱ (۲۰۱۳) رابطه سبک زندگی روستایی را با ایجاد هویت اجتماعی در جوانان بررسی کرده‌اند؛ فرناندز جیسوس، لیما و سابوسدو^۲ (۲۰۱۸) به بررسی نقش متقابل تغییرات سبک زندگی جهانی و تغییر هویت اجتماعی افراد پرداخته‌اند، لیو، توماس و هایگ^۳ (۲۰۱۹) به بررسی ارتباط بین هویت اجتماعی و تغییر در هنجارهای اجتماعی و سبک زندگی در بعد تغذیه پرداخته‌اند. در ایران نیز نایبی و محمدی تلور (۱۳۹۲) تأثیر سبک زندگی بر هویت تربیت‌بدنی دانشجویان شهر سنندج، محرم‌زاده و نوری (۱۴۰۰) تأثیر سبک زندگی و هویت اجتماعی از طریق اوقات فراغت در بین دانشجویان تربیت‌بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج و خواجه‌نوری، پرنیان و همت (۱۳۹۳) به بررسی رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی در جوانان شهر بندرعباس پرداخته‌اند.

مجموعه این تحقیقات نشان می‌دهند که فرد مجبور است خود اجتماعی‌اش را مبتنی بر نوع سبک زندگی خویش به‌طور مداوم و روزمره بیافریند و در فعالیت‌های خود به‌صورت بازتابی و یا بازاندیشانه موردحفاظت و پشتیبانی قرار دهد. آنچه حائز اهمیت است و کمتر بدان پرداخته شده است این است که جهان‌بینی فرد که سبک زندگی وی را می‌سازد عامل اصلی و محوری در روایتی است که او از خود ابراز می‌کند و درعین حال «خود» یا هویت او نیز در ورای همین روایت از سوی دیگران درک و قضاوت می‌شود (نایبی و محمدی تلور، ۱۳۹۲). با توجه به فقدان پژوهش در این زمینه، مقاله حاضر به ترسیم چهره انسان دینی (انسانی که دارای سبک زندگی اسلامی است) در ارتباط با دیگران مبتنی بر برداشت جوادی آملی از قرآن کریم می‌پردازد.

نظام‌واره فکری جوادی آملی درباره خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی

از میان متفکران و دانشمندان در حوزه علوم اسلامی، می‌توان آثار آیت‌الله جوادی آملی را به‌عنوان فیلسوف معاصر یکی از منابع اصلی و غنی در این حوزه برشمرد. جوادی آملی به‌عنوان نظریه‌پرداز اسلامی معاصر، به انسان به‌گونه‌ای متفاوت از مکاتب الحادی می‌نگرد. جهان‌بینی وی که مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی است، ایده‌ای خدامحور است که با تجلی در همه ابعاد زندگی انسان (ارتباط انسان با خود، خدا، دیگران و طبیعت)، خود را می‌نمایاند. از رهگذر جهان‌بینی اسلامی، تحولات گسترده‌ای در ادراک فرد از خود ایجاد می‌گردد. در جهان‌بینی دینی باورهای اعتقادی انسان مؤمن در رفتارهای او بروز پیدا می‌کند که ثمره آن، سبک زندگی خدامحور، آخرت‌گرا، کرامت‌خواه و جامع‌نگر است و از طرف دیگر کوچک‌ترین رفتار در زندگی انسان، در رسیدن به تکامل روحی او تأثیرگذار است (نوروزی، ۱۳۹۹). از انسان‌شناسی جوادی آملی این‌گونه برداشت می‌شود که خود در ارتباط با اجتماع به دو گونه عمل می‌کند. در یک سطح انسان در ارتباط با دیگران به این ادراک از خود می‌رسد که ساختار او به‌گونه‌ای است که به‌تنهایی نمی‌تواند نیازهای خود را تأمین کند و مجبور است برای رفع نیازمندی‌های خود با دیگران به‌سر ببرد؛ لذا با دیگران ارتباط برقرار می‌کند تا فقط از آنان نفع ببرد (جوادی آملی، ۱۳۸۹) و وجود چنین ادراکی از خود، باعث شده فرد جز به استخدام و استعباد و استثمار دیگران نیاندیشد، از همین‌رو همان‌طور که از جمادات، گیاهان و انواع حیوانات برای رفع نیاز خود بهره می‌جوید، می‌کوشد دیگران را نیز به استخدام یک‌جانبه خود درآورد. او از سویی نمی‌تواند تنها زندگی کند و از طرفی توقع متقابل هم‌نوع خود را می‌یابد، از این‌رو ناگزیر به خدمت متقابل و نیز به مراعات اجتماع تن می‌دهد؛ لیکن هرگاه به قدرت و حاکمیت رسد، همه قوانین را زیر پا گذاشته و قوای علمی و عملی را به استخدام یا اسارت خویش درمی‌آورد (جوادی آملی، ۱۳۸۹). در این حالت می‌گویند انسان متوحش بالطبع؛ است یعنی خود را فقط طبیعت بدنی و ماده ادراک می‌کند؛ لذا پیرو شهوت و غضب خویش است و جز به بهره‌کشی و کسب سود از دیگران نمی‌اندیشد (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

در سطح دیگر انسان در رابطه با اجتماع این‌گونه خود را می‌شناسد که من دارای نیازها و استعدادهای متنوعی هستم که با زندگی انفرادی برآورده نمی‌شود و به فعلیت نمی‌رسد؛ لذا به دیگران می‌پیوندم تا از آنها نفع ببرم و متقابلاً سود هم برسانم؛ بنابراین من در رابطه با دیگران باید بر مبنای عدالت اجتماعی و حق‌محوری رفتار کنم. این سطح از ادراک خود، مقتضای فطرت انسان است نه طبیعت وی؛ لذا در این حالت می‌گویند؛ انسان مدنی بالفطره یا متمدن بالفطره است؛ یعنی انسان فطرتاً خود را متمدن و خدانشناس و خواهان عدالت اجتماعی و

^۱ King & Church

^۲ Fernandes-Jesus, Lima & Sabucedo

^۳ Liu, J., Thomas, J. M., & Higgs, S

کمک به هم‌نوعان می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۹س). جوادی آملی معتقد است که خداوند متعال در قرآن کریم با توصیف اصول زیست اجتماعی انسان، مؤلفه‌های ساحت اجتماعی (خود اجتماعی) انسان دینی را تعیین کرده است؛ لذا هدف محقق از این پژوهش، پاسخ به این سؤال اصلی است که خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی و مبتنی بر برداشت جوادی آملی از آیات قرآن کریم دارای چند وجه و نوع است و هر نوع دارای چه زیرمؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی می‌باشند؟

روش تحقیق

نوع تحقیق در این پژوهش بنیادی است و هدف اصلی و اساسی آن افزایش حیطة فهم و دانش در مورد الگوهای جدید در حوزه ادراک خود، خود اجتماعی و سبک زندگی اسلامی است.

به‌منظور تعیین مؤلفه‌های خود اجتماعی، ابتدا به‌واسطه نرم‌افزار اسراء^۱ کلیه کتب جوادی آملی بررسی شد، به این صورت که در این بخش موضوعات مرتبط با انسان‌شناسی اسلامی (مانند خودشناسی، فطرت، دیگران، اجتماع، انسان، سبک زندگی، عدالت) به روش نمونه‌گیری تئوریک استخراج شدند. محقق با تهیه بیش از صدها فیش و استخراج ۵۵۰ کد اولیه از متون جوادی آملی، مطالب را گردآوری نموده و با استفاده از روش هرمنوتیک با هدف کشف معنی و مفهوم نهفته در متن به تفسیر و تأویل متن پرداخته است. به عبارتی محقق مبتنی بر دیدگاه شلایرماخر در هرمنوتیک کلاسیک، ابتدا متن را از افق خود به‌عنوان خواننده متن استنباط کرده و سپس با مؤلف هم‌افق شده است. در حقیقت محقق متن را تفسیر به رأی نکرده است، بلکه با مراجعه به متن و ساختار زبانی آن و غور در اعماق متن سعی کرده ابتدا متن را درک کند و به نیت مؤلف و عقاید او پی ببرد؛ در اصطلاح محقق با مؤلف هم‌افق شده است تا بتواند معنای نهفته در متن را استخراج کند (محمدپور، ۱۳۹۲). جهت دست‌یابی به تفاسیر به‌دست‌آمده با توجه به هرمنوتیک کلاسیک شلایرماخر، تفسیر با توجه به ویژگی‌های دستوری و روانشناختی متن و مؤلف صورت گرفته و مرحله به مرحله با ادغام افق مؤلف و مفسر و با توجه به تفاسیر جزئی و کلی در دور هرمنوتیک، درنهایت به یافته‌ها و تفاسیر پایانی دست یافته شد. ضمن اینکه در شیوه تفسیر متن، دو رویکرد قیاسی و استقرایی نیز در دستور کار قرار گرفت و هر بخش متن با توجه به معنای کلی آن تفسیر شد و تفاسیر کلی نیز بر مبنای تفاسیر جزئی هر بخش، درک و اصلاح گردید. پس از تفاسیر برآمده از متن و ادغام افق مؤلف و مفسر جهت اعتبار و دقت از تفاسیر به‌دست‌آمده و دوری از سوء فهم، تفاسیر برآمده به پنج‌تن از متخصصین آگاه به روش هرمنوتیک و آشنا به دیدگاه‌های جوادی آملی داده شده و با تأیید ضمنی آنان، اعتبار تفاسیر به‌دست‌آمده حاصل شد.

یافته‌ها

هدف محقق از این پژوهش، پاسخ به این سؤال اصلی است که خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی و مبتنی بر برداشت جوادی آملی از آیات قرآن کریم دارای چند وجه و نوع است و هر نوع دارای چه زیرمؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی می‌باشد؟ در رابطه با زیست اجتماعی انسان، در مرحله اول دو کد یا مقوله اصلی به دست آمد که عبارت‌اند از: خود اجتماعی نازل (ظالم) و خود اجتماعی متعالی (عادل).

جدول (۱). سطوح خود اجتماعی مبتنی بر دیدگاه جوادی آملی

افق جوادی آملی	افق محقق	
موجودی اجتماعی که باید بر مبنای عدالت اجتماعی از دیگران سود ببرد و به آنها سود برساند (مدنیت فطری).	سطح متعالی خود اجتماعی: شکل‌گیری خود اجتماعی عادل در درون انسان.	خوداجتماعی

^۱ این نرم افزار به وسیله بنیاد بین المللی علوم وحیانی اسراء که مسوول نشر آثار آیت الله جوادی آملی است، تولید شده و حاوی کتب ایشان به صورت دیجیتالی است.

موجودی اجتماعی که تا آنجا که می‌تواند برای رفع نیازهای خود باید از دیگران سود ببرد (متوحش بالطبع).	سطح نازل خود اجتماعی: شکل‌گیری خود اجتماعی ظالم در درون انسان
--	---

در مرحله بعد در ارتباط با مقوله اصلی «خود اجتماعی عادل» که شاخصه سبک زندگی اسلامی است ۲۶۷ کد استخراج شد که بعد از طبقه‌بندی این کدها در مجموع یازده کد یا زیر مقوله فرعی استخراج شدند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: عدالت اجتماعی و عدم بهره‌کشی، درک متقابل، بسط محبت، همدلی، توجه به تمایز اندیشه‌ها، گوش‌سپاری و به‌گزینی، اصل تمایز، یکپارچگی و خلوص، احترام، رابطه حسنه، گفتگو در سطح فهم مراجع.

جدول (۲). مؤلفه‌های خود اجتماعی عادل

مبنای ارتباط اجتماعی	(افق جوادى آملی مبتنی بر آیات قران)	(افق محقق)
رعایت عدالت اجتماعی مبتنی بر امثال از فرمان الهی (خود اجتماعی عادل)	انسان به مقتضای فطرتش، آنچه برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز همان را اختیار می‌کند: «چگونه شما که مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید خود آن را فراموش می‌کنید» (بقره، ۴۴).	درک متقابل
	قران کریم مهربانی و حسن خلق را مهم‌ترین عامل جذب مردم می‌داند: «این‌ها که در اطراف تو جمع‌اند به سبب مهربانی، رأفت و محبت توست و اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی مردمان از گرد تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران، ۱۵۹).	بسط محبت
	انسان به مقتضای فطرت خود از رنج و زحمت دیگر انسان‌ها ناراحت و از سعادت آنان خوشحال و مسرور می‌شود: «به خاطر دوستی خدا به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهند» (انسان، ۸).	همدلی
	ارتباط با دیگران از طریق تدبیر و تفکر در مکتب و عقیده آنان صورت می‌پذیرد: «بلقیس بعد از یک سلسله مناظره و گفتگو با سلیمان، گفت: خدایا من به خودم ستم کردم از این که تو را نپرستیدم» (قصص، ۱۶).	توجه به تمایز اندیشه‌ها
	«بشارت بده بندگان را که سخن را می‌شنوند و بهترینش را انتخاب می‌کنند» (زمر، ۱۸).	گوش‌سپاری و به‌گزینی
	انسان‌ها گوناگون‌اند، لذا چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر نیز مختلف خواهد بود: «ای انسان شماره شعبه شعبه و قبیله قبیله قراردادیم تا همدیگر را بشناسید» (حجرات، ۱۳).	اصل تمایز
	آن کس که اعتقاد، اخلاق، عمل و گفتارش هماهنگ‌اند می‌تواند با دیگران متحد شود و نسبت به پرهیز از اختلاف موعظه کند: «همانا انسان در خسران است به‌جز آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند» (عصر، ۲-۳).	یکپارچگی و خلوص
	«با فرزانتان امت با حکمت و برهان سخن بگو و متوسطان را از راه نصیحت و موعظه به راه خدا دعوت کن و با آن‌ها که خوی جدال و تلاش فکری دارند، از راه جدال احسن مجادله کن.» (حج، ۳-۸).	گفتگو در سطح فهم مراجع

احترام	«ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگز همدیگر را مسخره نکنید شاید دیگری از شما بهتر باشد» (حجرات، ۱۱).
رابطه حسنه	از آنجاکه انسان در احسن تقویم آفریده شده، شایسته پرورش چنین موجودی برخوردار است: «با مردم به زبان خوش سخن بگویند و رفتار کنید» (بقره، ۸۳).

به‌طور کلی نتایج نشان می‌دهد که ادراک انسان از خود در ارتباط با دیگران (خود اجتماعی) بر اساس تفسیر آیت‌الله جوادی آملی از آیات و روایات، در دو سطح تحولی می‌تواند شکل بگیرد در سطح نازل، خود اجتماعی ظالم و در سطح متعالی، خود اجتماعی عادل. انسان در ارتباط با دیگری با عدم رعایت مؤلفه‌های خود اجتماعی عادل، دچار خودی نازل خواهد شد که در بعد فردی و اجتماعی به ظلم و فساد علیه خود و دیگری خواهد پرداخت. مؤلفه‌های این دو در تقابل یکدیگر قرار دارند که جهت دوری از اطالۀ کلام به بررسی و تبیین وجه مثبت خود اجتماعی، یعنی خود اجتماعی عادل در سبک زندگی اسلامی پرداخته خواهد شد و هدف بر اساس دست‌یابی و تبیین آن مشخص می‌گردد. مؤلفه‌های خود اجتماعی عادل بر اساس تفاسیر برآمده عبارت‌اند از: رعایت عدالت اجتماعی، درک متقابل، بسط محبت، همدلی، توجه به تمایز اندیشه‌ها، گوش‌سپاری و به‌گزینی، اصل تمایز، یکپارچگی و خلوص، احترام، رابطه حسنه و گفتگو در سطح فهم مراجع که در ادامه به تشریح هر یک با استناد به آیات و روایات و تفاسیر برآمده از آرای آیت‌الله جوادی آملی پرداخته می‌شود:

مؤلفه‌های خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی مبتنی بر قرآن کریم شامل چه مواردی است و چه ویژگی‌هایی را در برمی‌گیرد؟

۱- رعایت عدالت اجتماعی

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «تحقیقاً ما رسولان خود را با براهین آشکار فرستادیم و کتاب و قانون را با آنها (برای مردم) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند»^۱. ملاحظه می‌شود که قانون اول در ارتباط انسان با انسان از هر گروه و قوم و ملتی که باشند عدالت است. در آیات دیگری نیز تفاوت استعداد انسان‌ها را زمینه آزمون و وسیله توزیع عادلانه کارهای اجتماعی و تسخیر متقابل افراد جامعه می‌داند و هرگونه تحقیر و هتک حیثیت یا بهره‌وری رایگان و انتفاع یک‌جانبه را مطرود می‌شمارد: «اوست کسی که شما را در زمین جانشین [یکدیگر] قرار داد و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید»^۲. پس روشن می‌شود که هرگونه مواهب الهی، آزمون بندگان خداست؛ نه تکریم واجدان و تحقیر فاقدان آنها و هدف آن تقسیم عادلانه وظایف اجتماعی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ذ). در سوره حجرات آیه ۱۳ نیز مطرح شده است: «ای انسان ما شما را از زن و مرد آفریدیم و شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید. با کرامت‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست»^۳. خداوند در این آیه شعبه شعبه آفریدن انسان‌ها را فقط عاملی برای تمایز و مورد شناخت قرار گرفتن می‌داند، لذا در ادامه تقوی را به‌عنوان معیار کرامت و برتری انسان‌ها معرفی می‌کند، نه توانایی او در کسب سود و استثمار بیشتر (همان).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود خداوند در ارتباط انسان با دیگران با جلوگیری از هر نوع فخر فروشی و تأکید بر رعایت عدالت در روابط بین انسان‌ها می‌خواهد ادراک انسان از خود را هماهنگ با کرامت و مدنیت فطری وی شکل دهد (همان).

^۱ «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط»، (حدید: ۲۵).

^۲ «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»، (انعام: ۱۶۵).

^۳ «يا ايها الناس انا خلقناكم من ذكر و انثى و جعلناكم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اكرمكم عند الله اتقيكم ان الله عليم خبير».

۲- توجه به تمایز اندیشه‌ها

بهترین روش در اسلام برای جلوگیری از هرگونه انحرافات فکری، ایجاد فضای مناسب برای تبادل اندیشه‌ها و تضارب آراست که قرآن از آن به مرابطة یاد می‌کند: «ای اهل ایمان! در برابر حوادث [شکیبایی کنید و با یکدیگر پیوند و ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا نمایید تا رستگار شوید^۱» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ پ).

موجودی متفکر به نام انسان، اگر بخواهد با هم‌نوع خود مرابطة برقرار کند، اصیل‌ترین راه ارتباط، ترابط فکری است. برای ارتباط متقابل، باید تفاهم صورت گیرد و انسان‌ها سخن یکدیگر را درک کنند و درک سخن دیگران، با تدبیر و تفکر در مکتب و عقیده آنان صورت می‌پذیرد. ارتباط دو انسان، تنها با دانستن زبان یکدیگر مقدور نمی‌گردد؛ بلکه علاوه بر آن، لازم است که از فکر و مکتب و عقیده او نیز باخبر بود (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ع).

خداوند در سوره نمل، برای تشویق انسان‌ها به تفکر و آزادی اندیشه و تعامل فرهنگ‌ها، به توصیف رابطه‌ای که میان بلقیس ملکه سبا و حضرت سلیمان صورت می‌گیرد می‌پردازد و ایمان آوردن بلقیس را ناشی از این رابطه می‌داند: «خوی بت‌پرستی او (بلقیس) را از ایمان آوردن منصرف می‌کرد، ولی درعین حال راه فطرت و اندیشه و تصمیم‌گیری به رویش گشوده بود، لذا وقتی وی از نزدیک با سلیمان گفتگو کرد بعد از یک سلسله مناظره و مباحثه و محاوره و سؤال و جواب، گفت، خدایا من به خودم ستم کردم از این که تو را نپرستیدم و من همراه سلیمان به کوی تو می‌آیم^۲» (جوادی آملی، ۱۳۸۴ ج).

۳- توجه به سطح فهم دیگران

در ارتباط با دیگران باید توجه داشت که انسان‌ها گوناگون‌اند، لذا چگونگی ارتباط آن‌ها با یکدیگر نیز مختلف خواهد بود. از آنجاکه انسان‌ها یکسان نمی‌اندیشند، بلکه بعضی از استعداد بالایی برخوردارند و بعضی دارای استعداد متوسط‌اند. از این رو، باید به میزان فهم و رشد عقلی آن‌ها با آنان سخن گفت. لذا، خدای سبحان به پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: «با فرزندانگامت با حکمت و برهان سخن بگو و متوسطان را از راه نصیحت و موعظه به راه خدا دعوت کن و با آن‌ها که خوی جدال و تلاش فکری دارند، از راه جدال احسن مجادله کن^۳» (جوادی آملی، ۱۳۸۷ ت). از امام Δ پرسیده شد که جدال غیر احسن چیست و ایشان فرمود: جدالی نازیبا و ناپسند که در اثر ضعف فکری خود، یا سوءاستفاده از ضعف فکری رقیب، حقی را انکار کنید یا باطلی را بپذیرید. جدال احسن آن است که معادل، جز حق نگوید و جز حق را نپذیرد؛ با سستی سخن نگفته، از ضعف رقیب سوءاستفاده نکند، بلکه سخن، متقن و مستحکم بگوید (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ص).

قرآن کریم جریان مجادله‌ای که بین حضرت ابراهیم و نمرود صورت گرفته است را این گونه توصیف می‌کند: «[ابراهیم] در آغاز احتجاج از برهان زنده کردن و میراندن سخن گفت ولی نمرود گفت من هم می‌توانم و این گونه ابراهیم با مغالطه نمرود روبه‌رو شد. سپس ابراهیم گفت خداوند خورشید را از طرف مشرق برآورد تو اگر می‌توانی از مغرب بیرون آر و آن نادان کافر از جواب عاجز ماند^۴» (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ر).

۴- گوش کردن به نظرات دیگران

فراهم آوردن مجال ارائه نظر و فکر برای دیگران و استماع سخنان و نظرات آنان، امر مطلوبی است؛ ولی این کثرت در مقام تفاهم و تبادل نظر است، نه این که بیان‌کننده کثرت واقعیت باشد؛ زیرا واقعیت، یکی است و انسان نیز باید تلاش کند تا به واقعیت واحد دست یابد. به بیان دیگر، در تشخیص واقعیت و ممتاز و یگانه، راه‌های مختلفی وجود دارد که بعضی مصیب بوده، به حق و واقع می‌رسد و بعضی نیز مخطی است و به واقع نمی‌رسد. پس برای این که انسان به واقع برسد، باید نظرات دیگران را بشنود و سپس نظر احسن را در میان آن نظرات

^۱ «یا ایها الذین ءامنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واثقوا ألعلمکم تفلحون»، (آل عمران: ۲۰۰).

^۲ «وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنَّهُمَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ..... رَبِّ أَنَّى ظَلَمْتَ نَفْسِي وَ أَسَلَمْتُ مَعَ سَلِيمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، (نمل: ۴۳-۴۴).

^۳ «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن»، (نحل: ۱۲۵).

^۴ «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»، (بقره: ۲۵۸).

انتخاب کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷ت). از همین روی است که خداوند در قرآن کریم جامعه بشری را تشویق می‌کند و به آن‌ها دستور می‌دهد که سخنان مکتب‌های گوناگون را بشنوند و بهترینش را برگزینند^۱ (جوادی آملی، ۱۳۸۵الف).

۵- رعایت یکپارچگی و خلوص

انسان وقتی می‌تواند میان دیگران یا خود و دیگری رابطه حسنه برقرار کند که در درون خویش پیوندی و اتحادی ناگسستگی میان عقاید، اخلاق و عملش برقرار کند و گرنه در ایجاد هرگونه اتحاد بیرونی ناکام می‌ماند، زیرا انسان منافق و دوشخصیتی که هرروز به رنگی درمی‌آید و نمی‌تواند خود را یکی و متحد کند، چگونه می‌تواند با اغیار متحد شود و دیگران را متحد سازد؟ (جوادی آملی، ۱۳۸۸ظ). خداوند متعال دل‌های منافقان را مریض می‌خواند^۲ و ایمان و التزام به عمل را اساس رهایی و نجات از ضرر و خسران می‌داند که بشریت همواره در طول تاریخ با آن روبه‌رو بوده است: «همانا انسان در خسران است به‌جز آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند»^۳ (جوادی آملی، ۱۳۸۷الف).

۶- رعایت رابطه حسنه با دیگران

از آنجاکه انسان در احسن تقویم آفریده شده، شایسته پرورش چنین موجودی برخوردار می‌باشد. از این رو قرآن کریم می‌فرماید: «به بندگانه بگو همیشه سخن نیکو و بهتر را به زبان آورید که شیطان میانشان را به هم می‌زند»^۴ و یا در جای دیگری می‌فرماید: «با مردم به زبان خوش سخن بگوئید»^۵. در این آیه منظور از سخن گفتن (قول)، برخورد لفظی نیست، بلکه مطلق رفتار و معاشرت است که باید به وجه زیبا انجام پذیرد (جوادی آملی، ۱۳۷۲).

۷- نرم‌خویی و محبت با دیگران

قرآن کریم مهم‌ترین عاملی را که باعث جذب و کشش مردم است، حسن خلق و نرم رفتاری می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ت) لذا به پیامبر اکرم ۹ می‌فرماید: «این‌ها که در اطراف تو جمع‌اند به سبب مهربانی، رأفت و محبت توست و اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی، مردمان از گرد تو پراکنده می‌شدند»^۶ (جوادی آملی، ۱۳۸۴ج). همچنین درباره ارتباطات مسلمانان با یکدیگر به‌طور خاص می‌فرماید: «اگر مسلمانی با شما بد کرد، شما درصدد از پا درآوردن رقیب مسلمان خود نباشید؛ بلکه سعی کنید تا رقابت زدوده شود؛ زیرا اگر دشمنی و رقابت زدوده شد، رقیب و دشمن به دوست گرم و صمیمی مبدل خواهد شد»^۷.

۸- رعایت احترام دیگران

خداوند متعال حفظ احترام متقابل را بر همگان لازم می‌داند تا در پرتو تأمین کرامت همه افراد متدین و متعهد، زمینه پیدایش مدینه فاضله فراهم گردد (جوادی آملی، ۱۳۷۲) لذا ضمن آنکه بر رابطه برادری بین مؤمنین^۸ تأکید می‌فرماید، برای حفظ احترام متقابل، دستورات اخلاقی متعددی را نیز مطرح می‌نماید؛ از جمله در سوره حجرات می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید هرگز همدیگر را مسخره نکنید شاید دیگری از شما بهتر باشد» و یا در سوره مجادله به مؤمنین توصیه می‌کند که در محافل و مجالس عمومی برای دیگران حرمت و ادب به‌جا آورید و سعی کنید که کمترین بی‌حرمتی به شخصیت آنان نشود و بزرگی خود را در ارتباط با خدا ادراک کنید نه به‌وسیله جایگاهی که نشسته‌اید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هرگاه به شما گفته شود در مجالس (برای دیگران) جا باز کنید، پس جا باز کنید تا خدا نیز برای

^۱ «فیشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون أحسنه»، (زمر: ۱۷-۱۸).

^۲ «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا و لهم عذاب الیم بما كانوا یکذبون»، (بقره: ۱۰).

^۳ «إنّ الإنسان لفی خسر، إلاّ الذین امنوا و عملوا الصالحات»، (عصر: ۲-۳).

^۴ «و قل لعبادی یقولوا اللّٰتی هی أحسن انّ الشّیطان ینزع بینهم»، (اسراء: آیه ۵۳).

^۵ «و قولوا للنّاس حسناً»، (بقره: ۸۳).

^۶ «فیما رحمۃ من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم»، (آل عمران: ۱۵۹).

^۷ «و لاتستوی الحسنه و السیئه اذفع بالّتی هی أحسن فإذا الذی بینک و بینه عداوة کأنه ولی حمیم»، (بقره: ۱۹۴).

^۸ «انما المؤمنون إخوة»، (حجرات: ۱۰).

شما گشایش دهد و هرگاه گفته شود برخیزید، برخیزید. (بزرگی، به نشستن در جای خاص نیست، بلکه) خدا از میان شما کسانی را که ایمان آورده و کسانی را که صاحب علم و دانش‌اند، به درجاتی رفعت و بزرگی می‌دهد^۱ (جوادی آملی، ۱۳۹۰ر).

۹- همدلی با دیگران

انسان به مقتضای فطرت خود از رنج و زحمت دیگر انسان‌ها ناراحت و از سعادت آنان خوشحال و مسرور می‌شود این خصوصیت، همان‌گونه که بنابر حدیث رسول اکرم^۹ لازم ایمان است^۲ لازم فطرت انسان نیز هست؛ چون آدمی، مفسور بر ایمان است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ذ). از همین روی خداوند متعال می‌فرماید: «به خاطر دوستی خدا به فقیر و اسیر و طفل یتیم طعام می‌دهند^۳».

۱۰- درک متقابل

فطرت آدمی به گونه‌ای است که خود را در برابر حقوق دیگران مسئول می‌داند. آنچه را برای خود می‌خواهد، برای دیگران نیز همان را اختیار می‌کند و هر چیزی را که برای خود نمی‌پسندد، برای دیگران هم نمی‌پسندد. بر این اساس قرآن کریم می‌فرماید: «چگونه شما مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید درحالی که خود آن را فراموش می‌کنید^۴». در حقیقت مدنیت فطری انسان، هیچ‌گاه با غارت منابع طبیعی و تجاوز به حقوق دیگران سازگار نیست؛ او گرچه به تناسب نیازهای مادی خود به دنبال منافع دنیوی است، ولی برای نیل به منافع خود، مصالح دیگران را پایمال نمی‌کند. او نه تنها هیچ‌گاه به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند، بلکه سعی مطابقت دارد، انگیزه‌های دنیوی و چشم‌داشت‌های مادی، توجیه‌کننده کمک‌ها و مساعدت‌های او به دیگران نیست و وجه فطرت حنیف الهی او به جهت آنکه همیشه به سوی مبدأ لایزال ربوبیت متوجه است، با انگیزه‌ها و پاداش‌های محض دنیوی و مادی سیراب نخواهد شد، لذا او همواره در آن سوی هر فعالیتی اعم از کمک و مساعدت به همنوعان خویش، آب حیات و گمشده واقعی خود را می‌جوید^۵ (جوادی آملی، ۱۳۸۹ذ).

۱۱- رعایت اصل توحید در روابط با دیگران

درنهایت قرآن کریم به یک اصل کلی در روابط انسانی اشاره می‌کند و آن این است که تنها پیوندی که انسان‌ها را به هم مرتبط می‌کند امتثال فرمان الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ج)؛ یعنی اگر کسی رابطه خود را با خدا از طریق غفلت‌زدایی، مستحکم کند، مشمول مهر خداوند خواهد بود و او دل‌های جامعه را نیز به سمت وی متوجه خواهد کرد^۶ (جوادی آملی، ۱۳۸۶ت). در حقیقت، خداوند، زندگی اجتماعی استوار بر اصل توحید (یکتاپرستی) را عامل سعادت و پیشرفت می‌خواند (جوادی آملی، ۱۳۸۵پ).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین مؤلفه‌های خود اجتماعی در سبک زندگی اسلامی مبتنی بر برداشت جوادی آملی از قرآن کریم است. سبک زندگی بیانگر شیوه زندگی با تأثیرپذیری از باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های انسان به جهان هستی است و در چگونگی شکل‌گیری خوداجتماعی فرد تأثیر بسزایی دارد. در سبک زندگی الحادی که مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی مکتب انسان‌گرایی است، سهم ارتباط انسان با خدا، نادیده گرفته می‌شود و نگاه مادی و غیرتحویلی از کاستی‌های این رویکرد است؛ درحالی‌که نگرش حق‌مدارانه که همواره همراه ارزش‌های عدل‌محورانه است، محوریت سبک زندگی اسلامی را بر عهده دارد (دیباجی و توکل‌نژاد، ۱۳۹۵). شاخصه اجتماعی از مهم‌ترین شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی است که چگونگی زیستن اجتماعی فرد را مشخص می‌کند. از این جهت این تحقیق با نتایج تحقیقات کینگ و چرچ

^۱ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»، (مجادله: ۱۱).

^۲ «لا يستكمل المرء الإيمان حتى يحب لأخيه ما يحب لنفسه».

^۳ «و يطعمون الطعام على حبه مسكينا و يتيما و اسيرا»، (انسان: ۸).

^۴ «اتامرون الناس بالبر و تنسون انفسكم»، (بقره: ۴۴).

^۵ «إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نَزِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا نُكْفِرُكُمْ؛ ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم»، (انسان: ۹).

^۶ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا»، (مریم: ۹۶).

(۲۰۱۳)؛ فرناندز جیسوس و همکاران (۲۰۱۸)؛ لیو، توماس و هیگز^۱ (۲۰۱۹) و ناییبی و محمدی تلور (۱۳۹۲)؛ محرم زاده و نوری (۱۴۰۰) و خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۳) همسو است.

از دیدگاه جوادی آملی، برداشت می‌شود که خود اجتماعی، در دو سطح تحولی نازل و متعالی شکل می‌گیرد. سطح نازل یا خود اجتماعی ظالم معادل است با درکی که انسان از خود در سبک زندگی مادی گرایانه دارد. در این سطح، انسان در ارتباط با دیگران فقط به دنبال کسب منافع شخصی خواهد بود. آنچه در اندیشه سبک زندگی مادی گرایانه محوریت دارد، منفعت‌گرایی و رویکردی نتیجه محور است که بر اساس آن افراد به دنبال کسب بیشترین سود برای خویش هستند، از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است که در دل تعامل با اجتماع تکامل می‌یابد، محوریت این نگاه می‌تواند در درازمدت رضایت از زندگی و بهزیستی را به‌طور کلی کاهش دهد (هودرس و پندلار^۲، ۲۰۱۲).

سطح متعالی خود اجتماعی، وجه‌میزه سبک زندگی اسلامی از سبک زندگی الحادی است. در این سطح، انسان فطرت الهی را به‌عنوان حقیقت وجودی خود ادراک می‌کند؛ لذا در ارتباط با دیگران مبتنی بر عدالت اجتماعی رفتار می‌کند و خود اجتماعی عادل را پرورش می‌دهد. جوادی آملی معتقد است که خداوند متعال به‌واسطه آیات متعدد، سبک زندگی اجتماعی مبتنی بر مدنیت فطری انسان را به او یادآوری می‌کند تا وی در ارتباط با دیگران، خود را موظف به رعایت عدالت اجتماعی و عدم بهره‌کشی از دیگران کند. در نظام سیاسی اسلام، عدالت اجتماعی فلسفه حکومت به شمار می‌آید. بعثت تمامی پیامبران برای برقراری عدالت در میان مردم است و همه پیامبران برای برقرار کردن عدالت آمده‌اند. این بدان معناست که تنها ابزار رسیدن انسان به سعادت و قرب الهی، برقراری عدالت و ملتزم بودن به آن در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی است (کریم‌زاده، ۱۴۰۰).

توجه به سطح فهم دیگران، همدلی، درک متقابل و گوش سپاری و به‌گزینی از جمله ویژگی‌هایی است که در سطوح اجتماعی جهان و افق افراد را به یکدیگر نزدیک کرده و مانع از سوءبرداشت‌ها می‌شود، لذا قرآن در آیات بسیاری به چنین خصایصی در جامعه اسلامی تأکید کرده و آنها را از جمله ویژگی‌های انسان اجتماعی مطلوب از دیدگاه الهی ذکر کرده است. بررسی آیات قرآنی نشان‌دهنده تأکید بر همدلی است. از نظر اسلام، بخش مهمی از نیازهای اساسی انسان، نیازهای عاطفی است که با اولین مؤلفه رفتار حمایتی یعنی همدلی ارتباط دارد. بسیاری از اختلال‌ها و نارسایی‌های شخصیتی، خلقی و رفتاری در بی‌توجهی به این نیاز اساسی و در کمبود آن ایجاد می‌شود. همه انسان‌ها نیاز به محبت، عاطفه و توجه دیگران دارند و همچنین برای پرورش کمالات انسانی در خود نیازمند هستند که به دیگران محبت کنند و دیگران را از عاطفه و توجه خویش بهره‌مند سازند. اسلام توجه ویژه‌ای به روابط اجتماعی دارد و در قالب معیارهای الهی به پرورش روح جمعی می‌پردازد و جامعه را به‌سوی تقوا، نوع‌دوستی، اتحاد و همدلی دعوت می‌کند (یاری قلی و خسروشاهی، ۱۳۹۷).

هماهنگی در گفتار و عمل، احترام و نهایتاً برقراری رابطه حسنه در تعاملات اجتماعی، دیگر مؤلفه‌های مورد تأکید در سبک زندگی اجتماعی از دیدگاه اسلام است. اخلاق نیکو و رفتار پسندیده با مردم از مهم‌ترین عوامل موفقیت و پیشرفت انسان در اجتماع است و حتی رواج آن در میان اقشار مختلف، در بسط و گسترش عدالت در جامعه مؤثر خواهد بود، قرآن کریم اخلاق نیکو (حسن خلق) را عامل موفقیت پیامبر اسلام^۹ در جذب مردم می‌داند. شاید بتوان گفت رفتار شایسته و برخورد صحیح با افراد در اجتماع، چه‌بسا باعث تقویت روابط و مناسبات اجتماعی شده و زمینه‌های حل بسیاری از مشکلات و گرفتاری‌های مردم را فراهم و از بسیاری از عواقب و پیامدهای زندگی ماشینی جلوگیری می‌کند (فاتحی، فیاض، بهشتی و بلندهمتان، ۱۳۹۸).

در حقیقت همه آنچه گفته شد و مفاهیمی همانند همکاری، تفاهم، مساعدت، مشارکت، احساس همدردی، از خودگذشتگی، ایثار و مانند آن، از جلوه‌های اجتماعی فطرت سلیم آدمی است که مدنیت موردنظر دین نیز بر پایه چنین اموری شکل می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۹ذ). این تعریف از مدنیت از پایه‌های اساسی شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی است که فرد را قادر می‌سازد تا ضمن شناخت بهتر خود و دیگران به

^۱ Liu, Thomas & Higgs

^۲ Hudders & Pandelaere

ایجاد ارتباطات مناسب با مردم و سازگاری با محیط و اجتماع بپردازد (رنج‌دوست، ۱۳۹۷) در واقع در این سبک زندگی، زندگی فردی و اجتماعی افراد باید مبتنی بر آموزه‌های اسلام باشد (افشانی، رسولی‌نژاد، کاویانی و سمیعی، ۱۳۹۳). ابراهیمی مقدم (۱۴۰۰) نیز به‌طور کلی اصولی همچون هدف‌گرایی، رعایت انصاف و عدالت، معرفت‌گرایی، دعوت به نیکی و مبارزه با فساد، عمل به تعهد متقابل، امانت‌داری و برقراری رابطه صالح را از ویژگی‌های حیات اجتماعی در اسلام برمی‌شمارد.

با توجه به رویکردهای هستی‌شناختی ارائه‌شده در دین می‌توان چنین نتیجه گرفت که اساساً الگویی با انسجام درونی و بیرونی، قابل احصاء از آموزه‌های اسلام با عنوان «سبک زندگی اسلامی» ممکن خواهد بود و این سبک زندگی هویت شخصی و اجتماعی خاص خود را تولید خواهد کرد. تقسیم‌بندی خود اجتماعی به دو سطح خود اجتماعی ظالم و عادل و تعیین مؤلفه‌های خود اجتماعی عادل در سبک زندگی اسلامی که در پژوهش حاضر محقق شد، از نوآوری‌هایی این تحقیق است و می‌تواند گامی نو در جهت گسترش پژوهش‌ها در زمینه ادراک خود، سبک زندگی و روان‌شناسی اسلامی باشد.

منابع

- ۱- ابراهیمی مقدم، غلامرضا. (۱۴۰۰). اصول جامعه‌مدنی اسلامی از نگاه قرآن. پژوهش‌های اجتماعی/اسلامی، ۲۷(۱)، ۳۶-۵۰. [10.30513/iss.2021.3176.1176](https://doi.org/10.30513/iss.2021.3176.1176)
- ۲- افشانی، علیرضا؛ رسولی‌نژاد، پویا؛ کاویانی، محمد و سمیعی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد. *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ۸(۱۴)، ۸۳-۱۰۳.
- ۳- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). ادب قضا در اسلام. قم: نشر اسراء.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). زن در آیه جلال و جمال. قم: انتشارات اسراء.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۲). هدایت در قرآن. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
- ۶- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ الف). سیره رسول اکرم در قرآن. جلد ۸. قم: انتشارات اسراء.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). مراحل اخلاق در قرآن. قم: انتشارات اسراء.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷ الف). نسبت دین و دنیا. قم: انتشارات اسراء.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). دین‌شناسی. قم: انتشارات اسراء.
- ۱۰- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). تسنیم، جلد ۱۲. قم: انتشارات اسراء.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ ص). پیامبر رحمت. قم: انتشارات اسراء جوادی.
- ۱۲- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ ظ). اسلام و روابط بین‌الملل. قم: انتشارات اسراء.
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ پ). جامعه در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم). قم: انتشارات اسراء.
- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). انتظار بشر از دین. قم: انتشارات اسراء.
- ۱۵- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ چ). سیره پیامبران در قرآن. جلد ۷. قم: انتشارات اسراء.
- ۱۶- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ذ). اسلام و محیط‌زیست. قم: انتشارات اسراء.
- ۱۷- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ س). تسنیم، جلد ۱۰. قم: انتشارات اسراء.
- ۱۸- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ ع). ولایت فقیه. قم: انتشارات اسراء.
- ۱۹- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ پ). سروش هدایت، جلد ۳. قم: انتشارات اسراء.
- ۲۰- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ خ). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم: انتشارات اسراء.
- ۲۱- حسین‌پور، رضا؛ بلایی اسکویی، آریتا و کی‌نژاد، محمدعلی. (۱۳۹۶). تبیین سبک زندگی اسلامی (رضوی): راهکارهایی در جهت تداوم آن در جامعه ایرانی. *فرهنگ رضوی*، ۵(۱۹)، ۳۹-۵۰. [20.1001.1.23452560.1396.5.19.1.1.7-39](https://doi.org/10.1001.1.23452560.1396.5.19.1.1.7-39)
- ۲۲- خواجه‌نوری، بیژن؛ پرنیان، لیلا و همت، صغری. (۱۳۹۳). مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر بندرعباس). *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۷(۱)، ۹۴-۹۹. <https://doi.org/10.7508/jjcr.2014.25.004>

- ۲۳- دیباجی، محمدعلی و توکل نژاد، مهدی. (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از منظر جوادی‌آملی و امکان بازنمایی آن در رسانه‌های مدرن. *پژوهش‌نامه سبک زندگی*، ۱(۲)، ۷-۳۳. [۲۰,۱۰۰,۱,۲۴۷۶۳۱۰۱,۱۳۹۵,۲,۱,۱,۷](http://www.ijrh.ac.ir/article-۱-۲۰۸-fa.html)
- ۲۴- ذکایی، محمدسعید؛ طالبی، ابوتراب و انتظاری، علی. (۱۳۹۶). مفهوم‌سازی سبک زندگی فرهنگی. *جامعه پژوهی فرهنگی*، ۱(۱)، ۲۳-۴۴.
- ۲۵- رنج‌دوست، شهرام. (۱۳۹۷). همبستگی سبک زندگی اسلامی با سلامت معنوی و اجتماعی. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۲(۴)، ۱۸۷-۱۹۴.
- ۲۶- سلم‌آبادی، مجتبی؛ فرحبخش، کیومرث؛ ذوالفقاری، شادی و صادقی، میثم. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط سبک زندگی اسلامی با سلامت روان دانشجویان دانشگاه بیرجند. *مجله دین و سلامت*، ۳(۱)، ۱-۱۰. <http://jrh.mazums.ac.ir/article-۱-۲۰۸-fa.html>
- ۲۷- طوسی، نصیرالدین. (۱۳۹۹). *اخلاق ناصری*. تهران: نشر خوارزمی.
- ۲۸- علم الهدی، جمیله. (۱۳۸۶). درآمدی به مبانی اسلامی روش تحقیق. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۶(۲۱)، ۲۰۲-۱۷۳.
- ۲۹- فاتحی، فواد؛ فیاض، ایراندخت؛ بهشتی، سعید و بلندهمتان، کیوان. (۱۳۹۸). تحلیل مبانی تربیت شهروندی از منظر آموزه‌های قرآن کریم. *پژوهش دینی*، ۳۹، ۲۶۳-۲۳۵.
- ۳۰- فولادی، محمد. (۱۳۹۲). سبک زندگی دینی، جامعه و انسان دینی. *مجله معرفت*، ۲۲(۳)، ۵۱-۷۰.
- ۳۱- کریم‌زاده، رحمت‌الله. (۱۴۰۰). رابطه جامعه توحیدی و عدالت اجتماعی در کلام امام رضا. *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۷(۲)، ۱۰۰-۷۹.
- ۳۲- کسل، فیلیپ. (۱۹۹۳). چکیده آثار آنتونی گیدنز. ترجمه حسن چاووشیان (۱۳۹۶). تهران: نشر ققنوس. [۱۰.۳۰۵۱۳/۰۰۰۰.۲۰۲۲.۳۹۶۷.۱۲۰۳](http://www.ijrh.ac.ir/article-۱-۲۰۸-fa.html)
- ۳۳- کوری، جرالد. (۲۰۰۵). نظریه و کاربرد مشاوره و روان‌درمانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۴۰۰). تهران: نشر ارسباران.
- ۳۴- محرم‌زاده، مهرداد و نوری، محمدسیوان. (۱۴۰۰). تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی از طریق اوقات فراغت در بین دانشجویان تربیت‌بدنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنجان. *فصلنامه جامعه‌شناسی ورزش*، ۶(۱۶)، ۱۸۸-۲۰۴. [۲۰,۱۰۰,۱,۲۴۲۳۷۵۵۸,۱۳۹۹,۶,۲,۱۹,۰,۲۰۴-۱۸۸](http://www.ijrh.ac.ir/article-۱-۲۰۸-fa.html)
- ۳۵- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی ضد روش. جلد اول. تهران: نشر جامعه شناسان.
- ۳۶- محمدمیرزائی، حسن؛ ذوالفقاری، ابوالفضل و حفیظی نافچی، فاروق. (۱۳۹۸). *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، ۲۵(۲)، ۲۸-۳.
- ۳۷- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: نشر موسسه امام خمینی.
- ۳۸- ملایی، فاطمه؛ جلالی‌ریگی، مهری؛ فولادی، محسن و مومن‌جو، نرگس. (۱۴۰۱). نقش پایداری به سبک زندگی اسلامی و سرسختی روان‌شناختی در میزان تعارضات زناشویی. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۶(۲)، ۳۱-۵۰.
- ۳۹- ناییب، هوشنگ و محمدی‌تلور، ستار. (۱۳۹۲). تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی (مطالعه تجربی جوانان شهر سمنجان). *جامعه‌شناسی ایران*، ۱۴(۴)، ۱۵۲-۱۳۱. [۲۰,۱۰۰,۱,۱۷۳۵۱۹۰۱,۱۳۹۲,۱,۴,۴,۵,۱,۱۳۱](http://www.ijrh.ac.ir/article-۱-۲۰۸-fa.html)
- ۴۰- نوروزی، رضا. (۱۳۹۹). نقش خودشناسی در سبک زندگی اسلامی از منظر عقل و دین. *عقل و دین*، ۱۲(۲۲)، ۱۸۲-۷۵.
- ۴۱- یاری‌قلی، بهبود و خسروشاهی، جعفر. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی مفهوم همدلی از منظر روانشناسی و مبانی اسلامی. *سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۲(۳)، ۱۵۵-۱۶۳.
- ۴۲- Fernandes-Jesus, M., Lima, M. L., & Sabucedo, J. M. (۲۰۱۸). Changing identities to change the world: Identity motives in lifestyle politics and its link to collective action. *Political Psychology*, 39(5), 1031-1047. <https://doi.org/10.1111/psyp.12473>
- ۴۳- Hornsey, M. J. (۲۰۰۸). Social identity theory and self-categorization theory: A historical review. *Social and personality psychology compass*, 2(1), 204-222. <https://doi.org/10.1111/j.1751-9004.2007.00066.x>
- ۴۴- Hudders, L., & Pandelaere, M. (۲۰۱۲). The silver lining of materialism: The impact of luxury consumption on subjective well-being. *Journal of happiness studies*, 13, 411-437. <https://doi.org/10.1007/s10902-011-9271-9>
- ۴۵- King, K., & Church, A. (۲۰۱۳). 'We don't enjoy nature like that': Youth identity and lifestyle in the countryside. *Journal of rural studies*, 31, 77-96. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2013.02.004>
- ۴۶- Liu, J., Thomas, J. M., & Higgs, S. (۲۰۱۹). The relationship between social identity, descriptive social norms and eating intentions and behaviors. *Journal of Experimental Social Psychology*, 82, 217-230. <https://doi.org/10.1016/j.jesp.2019.02.002>
- ۴۷- Markus, K. A., & Borsboom, D. (۲۰۱۳). *Frontiers of test validity theory: Measurement, causation, and meaning*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203051207>

Self-social components in the Islamic lifestyle based on Javadi Amoli's perception of the Holy Quran

Zahra Sadat Pour SeyyedAghaei*¹
Fatemeh Ghaseminaei[†]

Abstract

Life style goes back to the field of human actions and is based on worldview, anthropology and the basic existences and nonexistences of a thought. This thinking also shapes the individual and social selves of humans. The purpose of this research is to determine the components of social self in the Islamic lifestyle based on Javadi Amoli's perception of the Holy Quran. The present research was conducted with a qualitative approach using Schleiermacher's classical hermeneutic method. The results showed; A person's perception of himself in relation to others (social self) can be formed on two evolutionary levels: on the low level, the oppressive social self and on the sublime level, the just social self, which is one of the characteristics of the Islamic lifestyle. The components of a just self-society are: observance of social justice, mutual understanding, development of love, empathy, attention to the distinction of thoughts, listening and choosing, the principle of distinction, integrity and purity, respect, good relationship and dialogue at the level of understanding of clients. Knowing the components of a just society based on the verses of the Qur'an can increase the basis for creating an Islamic

¹ Assistant Professor , Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). Email: zpsaghaei@alzahra.ac.ir

[†] PhD in Counseling, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Email: Fatemehghasemi۳۰۳۰@gmail.com

lifestyle and a platform for constructive social interactions and create cooperation and social participation at the communication and social levels.

Keywords: Social self, Lifestyle, Islam, Self perception, Javadi Amoli, Holy Quran